

### به ستمگری پایان دهید

پیش‌رانده‌شدگان پس‌از پیروزی انقلاب، که با درهم‌شکستن جدول ارزش‌های آن، بار دیگر بساط یکه‌تازی فراگیر را در کشور گسترده‌اند، همواره در برخورد با پاره‌ای از هم‌میهنان اهل تسنن بیشترین ستم را روا داشته‌اند و با کینه‌توزی‌های زشت و کردارهای تبعیض‌آمیز میان ایرانیان بذر نفاق می‌افشانند.

یکی از فرزندان دلیر بوکان در کردستان به‌نام سیاوش حاجی‌حسن با نوشتن نامه‌ی سرگشاده‌ای به رئیس‌جمهور اسلامی، که این همه دم از نهادینه کردن آزادی و قانون‌گرایی می‌زند، با لحن پرسوزوگدازی سیه‌روزگاری مردم آن دیار را به شرح آورده و سرانجام خواستار «سلب تابعیت» خود و بیرون رفتن از کشور شده است.

این هم‌میهن کرد در نامه‌ی اسفبار خود ابراز داشته: «سخت است برای فرزند دل‌کندن از دامان مهر پدر و مادر و سخت‌تر از آن دل‌کندن از سرزمینی است که در آن الفبای حیات آموخته‌ای؛ و، اگر آن سرزمین کشوری عزیز

چون ایران باشد، که گاهواره‌ی تمدن و مهد باستانی‌ترین شکل حیات است، این جدایی جانکاه‌تر است؛ ولی درمندان حقیقت را باید باور کرد، باید باور کرد که در سرزمینمان با ما کردان اهل تسنن ایرانی چون شهروندان درجه‌ی چهار و پنج رفتار می‌شود، و نابرابری و تبعیض و عدم رعایت حقوق قومی و مذهبی را باید باور کرد، وجود زیرزمین‌هایی که در آن غیرانسانی‌ترین و وحشتناک‌ترین شکنجه‌های ضدبشری داده می‌شود را باید باور کرد، باید درمندان اذعان نمود که حق طبیعی و اجتماعی انسان‌ها حتی در چارچوب قانون‌اساسی هم رعایت نمی‌شود، باید وجود گزینش‌هایی را که با شرافت و کرامت و عزت و آبرو و سرنوشت اشخاص بازی می‌کنند و با بدیهی‌ترین حق طبیعی انسان‌ها، یعنی کار و اشتغال، منافات دارد، باید به مجازات سیاسی و اقتصادی و فشار مالی بر آنانی که اندیشه‌ی مخالف دارند اذعان کرد، و باید اختصاصی و انحصاری شدن اقتصاد ملّی و تعلق آن به یک عده‌ی خاص را باور کرد، باید مناظر دلخراش اعدام‌های خیابانی و در چاله کردن انسان‌ها و با سنگ کشتن زنان را باور کرد، و بایستی انبوه کارمندان غیربومی را در این مناطق، که نشانه‌ی بارز و شاخص بی‌اعتمادی دولت نسبت به مردم آنجاست، را باور کرد، و باید وجود کوتاه‌فکران مخالف اندیشه و اندیشه‌وری را باور کرد که جز خویشتن کسی را نمی‌بینند و نظر خود را حجت می‌دانند و ائتلاف عمر و حق طبیعی و انسانی جوانان مظلوم و بی‌پناه این مرزوبوم را باور کرد و احیای نظام طبقاتی را یادآوری کرد و...»

در پایان این نامه آورده شده: «سال‌هاست که افتخارمان ایرانی و ایرانی‌بودن می‌باشد و در اثبات میهن‌دوستی خویش تلاش‌ها کرده‌ایم؛ اما اینک احساس می‌کنم که دیگر تحمل صبر و شکیبایی ندارم و به این باور رسیده‌ام که با دلی مالامال از اندوه و شرمنده از نیاکانی که این سرای آباد را ساختند و آنانی که در راهش جان باختند و آرزوی موفقیت برای جناب عالی... ضمن صرف‌نظر از شهروندی خویش، از دولت جمهوری اسلامی تقاضای سلب تابعیت می‌نمایم و، با رسیدگی و اقدام مقتضی، تعیین ضرب‌الاجل برای خروج از کشور را خواستارم.»

در زیر این نامه‌ی اندوهبرانگیز، سیاوش حاجی‌حسن با دلیری درخور نشانی خانه و شماره‌ی تلفن و صندوق پستی خود در شهر بوکان را نیز به‌روشنی ذکر کرده است.

دریغا که واپسین خبر رسیده نشان می‌دهد چند ساعت پس از پخش این نامه‌ی سرگشاده در شهر بوکان، به جای

مرهم نهادن بر دل ریش این ایرانی رنجیده و به‌جان‌آمده، گماشتگان امنیتی جمهوری اسلامی پاسی از نیمه‌روز گذشته‌ی پنجشنبه، نهم مهرماه نامبرده را دستگیر و به زندان افکنده‌اند.

جا دارد رئیس‌جمهور اسلامی با داعیه‌های بسیار پیرامون ارج‌گذاری به حیثیت ذاتی بشر به یاد داشته باشند سیاوش حاج‌حسن با این همه ناخشنودی می‌توانست از کوه و دشت کردستان به‌آسانی بگذرد و به فراسوی مرزهای قراردادی رود یا حتی به همکاری با سازمان‌های سیاسی دگراندیش، که دست به سلاح برده‌اند، بپردازد؛ ولی با خردمندی در راستای طرح وضع ناگوار خود و دیگران به شیوه‌ای قانونی روی آورده و نامه‌نگاری نموده است تا شاید به واکنشی شایسته برسد؛ و اکنون بر شما فرض می‌باشد تا بی‌درنگ برای رفع دشواری‌های آن استان و دیگر ناحیه‌های همانند کشور به چاره‌گری جدی برخیزید و دستور رهایی بدون قید و شرط این شهروند میهن‌دوست آزردمخاطر را نیز صادر کنید.

به هر روی، حزب ملت ایران به همه‌ی زشت‌کرداری‌های کاربه‌دستان جمهوری اسلامی، که مردم را تا این اندازه به ستوه می‌آورد، و نیز به بازداشت خلاف قانون سیاوش حاجی‌حسن، فرزند برومند کردستان گردپرور، به‌شدت اعتراض می‌نماید و آزادی هرچه‌زودتر نامبرده را خواستار است.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران